

Phenomenology of Barriers in the Sexual Education Curriculum in High School: A Phenomenological Study

Sohrab Mohammadi Pouya*
Ali Imanzadeh**
Faramarz Mohammadi Pouya***
Ahmad Zarei****

Received: 2019/06/13

Accepted: 2019/08/07

One of the educational sex dimensions of the Fundamental Transformation Document of education is the bodybuilding and physical educational dimension, and one of the categories covered in this dimension is attention to sexual education. Sexual education is one of the challenging areas of education in various societies and this has led to the creation of many social problems and behavioral deviations among the younger generation. The present study aims to study the barriers of sexual education curriculum in high schools with a phenomenological approach. The data were collected using a semi-structured interview technique with Nineteen people included parents, teachers and principals in Tehran 6th district, with a purposeful sampling method and were analyzed based on the Colazzi's strategy. The results of this research identified the barriers to the sexual education curriculum at the high school in three Emergent Theme and nine Theme Clusters including family factors such as parental resistance and reluctance vs children sexual education, communication skills weakness between adolescents and parents, and the kind of viewing of adolescent sexuality from the viewpoint of adults, also organizational factors such as, dramatic shortage of sexual education specialist teachers in education, restriction and challenges of educational resources in the field of sexual education, support and policy weakness of sexual education in context of Islamic education and challenge of desire interaction between home – school. and finally Sociocultural factors such as social sensitivity, personal and unbiased perceptions of religious foundations.

Keywords: Curriculum, Sexual Education, High School, Phenomenological.

* PhD Student of Curriculum Development, University of Tabriz, Faculty member of Hekmat Policy Research and Strategic Studies Institute mohammadipouya1393@yahoo.com

** Associate Professor of Educational Sciences group, Faculty of Education and Psychology, University of Tabriz aliimanzadeh@yahoo.com

*** Assistant Professor of Educational Sciences group, Bu Ali Sina University, Hamedan muhammadipouya@yahoo.com

**** MA. Of Practices and training programs Group, Tehran University Ahmadutl70@gmail.com

پدیدارشناسی موانع برنامه درسی تربیت جنسی در مقطع متوسطه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۱۶

سهراب محمدی پویا*

علی ایمانزاده**

فرامرز محمدی پویا***

احمد زارعی****

چکیده

یکی از ساحت‌های شش‌گانه تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ساحت تربیت زیستی و بدنی است که یکی از مقوله‌های تحت پوشش این ساحت، توجه به تربیت جنسی است. در بسیاری از نظام‌های آموزشی، تحقق تربیت جنسی با موانع زیادی در عرصه عمل مواجه بوده است و همین امر، زمینه‌ساز بروز بسیاری از معضلات اجتماعی و انحراف‌های رفتاری در میان نسل جوان شده است. پژوهش حاضر با هدف واکاوی موانع تحقق برنامه درسی تربیت جنسی در مدارس متوسطه بر اساس رویکرد کیفی و با روش پدیدارشناسی انجام گرفته است. داده‌ها با استفاده از فن مصاحبه نیمه ساختارمند با نوزده نفر از والدین، معلمان و مدیران در سطح منطقه شش شهر تهران با شیوه نمونه‌گیری هدفمند از نوع ملاکی گردآوری شده و بر اساس راهبرد کلاسی تحلیل شد. نتایج این پژوهش موانع برنامه درسی تربیت جنسی در مقطع متوسطه تحصیلی را در سه مضمون اصلی و نه خوشه مضمونی شامل عوامل خانوادگی از جمله، مقاومت و بی‌میلی والدین در برابر تربیت جنسی فرزندان، ضعف مهارت‌های ارتباطی مطلوب بین والدین و فرزندان و غلبه نگاه بزرگ‌سالی بر مسائل جنسی نوجوانان، همچنین عوامل سازمانی نظیر؛ کمبود چشمگیر معلم متخصص حوزه تربیت جنسی در آموزش و پرورش، محدودیت و چالش برانگیز بودن منابع آموزشی در حوزه تربیت جنسی، ضعف خط‌مشی مناسب حمایت از تربیت جنسی در چارچوب تربیت اسلامی و چالش تعامل مطلوب مدرسه و خانه و در نهایت، عوامل فرهنگی - اجتماعی همچون ضعف آگاهی اجتماعی از تعریف صحیح تربیت جنسی و برداشت‌های شخصی و بدون پشتوانه از مبانی دینی دسته‌بندی کرد.

واژگان کلیدی: برنامه درسی، تربیت جنسی، دوره متوسطه، پدیدارشناسی.

* دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه تبریز، عضو هیئت علمی پژوهشکده سیاست‌پژوهی و مطالعات راهبردی حکمت
mohammadipouya1393@yahoo.com

** دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز
aliimanazadeh@yahoo.com

*** استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا
muhammadipouya@yahoo.com

**** کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).
Ahmadutl70@gmail.com

مقدمه

انسان، خلیفه پروردگار متعال بر روی زمین است: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (بقره: ۳۰). خداوند خلیفه خویش را به گونه‌ای آفریده که مستعد اتصاف به همه کمالات است. وصول به قله کمالات نیازمند تربیت صحیح بوده و هدف آفرینش انسان تنها در پرتو تعلیم و تربیت تحقق می‌یابد (میکائیلو، سلطان القرایی، ۱۳۹۴، ص ۹۸). تاکنون تعاریف زیادی از تربیت ارائه شده است. برای نمونه، اتحادیه بین‌المللی آموزش و پرورش، تربیت را فراهم کردن رشد کامل توانایی‌های هر شخص به‌عنوان فرد و عضوی از جامعه می‌داند (میلاره^۱ و ژان، ۱۳۷۰). همچنین تربیت عبارت است از پرورش دادن و به فعلیت رساندن استعدادها (صالحی و تهامی، ۱۳۸۸، صص ۷۷-۷۸) و ایجاد تعادل و هماهنگی میان آن‌ها، تا از این راه، مترقی به حد بالای کمال (شایسته خود) برسد (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۹۰ و فایضی و آشتیانی، ۱۳۷۵، ص ۳۲). در تعریف دیگری، تربیت عبارت از هر عمل یا فعالیتی است که دارای اثر سازنده بر روی جسم، روح، شخصیت، و یا شایستگی مادی و معنوی فرد باشد (نیکزاد، ۱۳۷۵، ص ۱۱). این تعاریف در عین تعدد، در این موضوع توافق دارند که تربیت، مجموعه تدابیر و روش‌هایی است که برای به فعلیت درآوردن استعدادها در ابعاد گوناگون انسان بکار گرفته می‌شود (شعاری نژاد، ۱۳۷۶ و شریعتمداری، ۱۳۸۶). بنابراین مربی باید ابعاد انسان را بشناسد، تا بتواند جریان تربیت را بر اساس سرشت و فطرت او انجام دهد (مزینانی، ۱۳۸۲). در منابع مختلف، ابعاد و ساحت‌های متفاوت و مشترکی برای انسان مطرح شده و تأکید شده که انسان برای نیل به کمال باید در همه این ابعاد تربیت شود. در این بین، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به‌عنوان یک سند بالادستی در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، قابل ارجاع‌تر است. سند تحول بنیادین، طبق فرموده قرآن کریم: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل: ۹۷) هدف از تربیت آدمی را رسیدن به حیات طیبه معرفی کرده (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰، صص ۱۳۰-۱۲۹) و نیل به حیات طیبه

را در گرو توجه به ابعاد مختلف تربیت آدمی ذکر کرده است. این سند بر اساس بررسی مبانی وجودی انسان، اقدام به معرفی ابعاد و ساحت‌های تربیتی شش‌گانه‌ای برای انسان نموده که عبارت‌اند از: ۱) ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی (۲) ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی (۳) ساحت تربیت زیستی و بدنی (۴) ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری (۵) ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای (۶) ساحت تربیت علمی و فناوری (همان). توجه به «تربیت جنسی»^۲ یکی از مقوله‌هایی است که در ساحت تربیت زیستی و بدنی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مورد تأکید قرار گرفته است. در مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰: ۳۰۵) مستقیماً ذکر شده است که «قلمرو ساحت تربیت زیستی و بدنی مواردی همچون: تربیت جنسی، سلامت فردی و اجتماعی، بهداشت زیست‌محیطی، قلمروهای زیست بوم شهری و منابع طبیعی را در بر می‌گیرد». این در حالی است که تربیت جنسی و مفاهیم مرتبط با آن نظیر؛ خویش‌داری جنسی (که معادل اخلاق جنسی یا عفاف‌گرایی نیز به شمار می‌رود) (اسلامیان، سعیدی رضوانی و غفاری، ۱۳۹۸، ص ۱۷۷) می‌تواند علاوه بر قرار گرفتن ذیل ساحت زیستی و بدنی، در ساحت‌های تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی و ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی نیز بدان توجه شود. با ملاحظه تعاریف این ساحت‌ها نارسایی این موضوع مشخص می‌شود. چرا که ساحت تربیت زیستی و بدنی ناظر به حفظ و ارتقای سلامت و رعایت بهداشت جسمی و روانی متریبان در قبال خود و دیگران، تقویت قوای جسمی و روانی، مبارزه با عوامل ضعف و بیماری، حفاظت از محیط زیست و احترام به طبیعت است (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ص ۳۰۵). اما در ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی از رشد و تقویت مرتبه قابل قبول از جنبه دینی و اخلاقی حیات طیبه در وجود متریبان، وجود تدابیر و اقدامات جهت پرورش ایمان و التزام آگاهانه و اختیاری متریبان نسبت به مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و ... (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ص ۲۹۹) ذکر شده است. یا این‌که متناظر با ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی از موضوعات همچون ارتباط مناسب با دیگران، کسب دانش و اخلاق اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی و... صحبت شده است (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰، صص ۳۰۳-۳۰۲). در نتیجه این‌که به

نظر می‌رسد که قرار گرفتن امر تربیت جنسی در ذیل ساحت تربیت زیستی و بدنی هنگامی مناسب است که در ساحت‌های تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی و ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی نیز بدان توجه شود. در غیر این صورت ممکن است تنها به حفظ و ارتقای سلامت و رعایت بهداشت جسمی و روانی تنزل کرده و جایگاهی اعتقادی، عبادی این موضوع به حاشیه رانده می‌شود.

توجه به تربیت جنسی یکی از حوزه‌های چالش‌انگیز تعلیم و تربیت در جوامع مختلف از جمله جامعه ما بوده، که همواره به دلیل وجود پاره‌ای از ابهام‌ها و سوء تفاهم‌های نظری و فکری و نیز موانع اجرایی با مشکلات فراوانی دست به گریبان بوده و همین امر، زمینه‌ساز ایجاد و بروز بسیاری از معضلات اجتماعی و انحراف‌های رفتاری در میان نسل جوان و به تبع آن، هزینه‌های سنگین جهت مقابله با این انحراف‌ها از سوی نهادها و سازمان‌های ذیربط شده است (امینی، تمنایی فر و پاشایی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۰). تربیت جنسی را به صورت‌های گوناگون تعریف کرده‌اند. گروهی تربیت جنسی را آموزش مسائل جنسی به کودکان و تدارک دانش جنسی برای کودکان می‌دانند (تلجوهان^۳ و همکاران، ۲۰۰۹). هدف تربیت جنسی آموزش حس مسئولیت‌پذیری و آگاهی آنان نسبت به واقعیت‌های جنسی دانش‌آموزان (کونولاً^۴، ۲۰۱۰) آشنائی دانش‌آموزان و کودکان نسبت به دانش صحیح نسبت به اندام‌ها جنسی و کارکردهای آن، شناسایی و آموزش بسترهای زمینه‌ساز انحراف جنسی (ویور^۵ و همکاران، ۲۰۰۵) و جهت‌دهی به فعالیت‌های جنسی افراد، جلوگیری از برنامه‌های جنسی ناخواسته نظیر؛ بارداری ناخواسته، جلوگیری و پیشگیری از انتقال بیماری‌های جنسی است (ترادل^۶، ۲۰۱۷).

طرز تفکر و تلقی از تربیت جنسی در ایران با نظر به مسائل و آموزه‌های اسلامی، کاملاً متفاوت با اندیشه حاکم بر غرب است، به طوری که غرض ما از تربیت جنسی بر پرورش، تعدیل و جهت‌دهی استوار بوده، و پروردن و اوج دادن آن مقصود نیست. به طور مثال؛ ما وجود شرم و حیاء در زمینه تربیت جنسی را یک اصل انسانی برمی‌شماریم، کما این‌که با آزادی و بی‌بندوباری در زمینه جنسی کاملاً مخالف بوده (فرمهینی فراهانی، ۱۳۸۳؛ به نقل از فرمهینی فراهانی، ۱۳۸۷، ص ۱۹) و آن را خلاف

عفت می‌پنداریم. تربیت جنسی با نحوه استفاده از این توانایی در جهت نیل به حیات طیبه سروکار دارد و لذا رعایت قانون و اخلاق در چارچوب بهره‌مندی از آن کاملاً مدنظر است در صورتی که در آموزش جنسی، تمرکز بر نحوه برقراری ارتباطات جنسی برای با کیفیت کردن آن و پیشگیری از بیماری‌های ناشی از آن است و لذا رعایت قانون و اخلاق در چارچوب استفاده از این توانایی به حاشیه رانده می‌شود. از همین رو می‌توان عنوان کرد که تربیت جنسی با آموزش جنسی مد نظر غرب‌گرایان فرسنگ‌ها تفاوت و فاصله دارد.

توضیح ضروری که باید پیش از ورود به بدنه اصلی بدان پرداخت این است که مفاهیم و موضوع تربیت جنسی در این پژوهش با نظر به گفتمان و مبانی قرآن، روایات و اشارات سند تحول بنیادین آموزش و پرورش صورت گرفته است و نباید این موضوع به اشتباه و صرفاً با آموزش‌های جنسی، برابری جنسیتی یا آرمان‌های فمینیستی (برابری زن و مرد) مترادف انگاشته شود. چرا که تأکید به آموزش مسائل جنسی بدون توجه به اخلاق جنسی می‌تواند آسیب‌های جدی با خود به همراه داشته باشد (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۸۶، متقی‌فر، ۱۳۸۴). به عبارت دیگر، «تربیت جنسی تنها آموزشی جنسی یا انتقال دانستنی‌های جنسی و یا پروردن و اوج دادن گزینه جنسی نیست و هرگز نمی‌توان تربیت جنسی را تنها به انتقال اطلاعات و آگاهی‌ها در ساحت مسائل جنسی یا فراهم آوردن زمینه رشد گزینه جنسی تعریف کرد» (بهشتی، ۱۳۸۵). چنانچه متفکرانی نظیر شهید مطهری، بر آنند که تربیت در این بعد شامل آن عده از عادات، ملکات و روش‌های بشری است که با گزینه جنسی بستگی دارد؛ مانند حیای زن و مرد، عفاف و وفاداری، منع زنا و... همچنین در رابطه با این نوع از تربیت بایستی عنوان نمود که تربیت جنسی در یک معنای فراتر از آموزش جنسی، عبارت است از بکارگیری شیوه‌هایی برای ایجاد صفات و رفتارهای جنسی سالم و زدودن صفات و رفتارهای جنسی غیرسالم در انسان (مطهری، ۱۳۸۱ و امینی، ۱۳۶۸؛ به نقل از نصیری و جعفری، ۱۳۸۹، ص ۱۰۳). نشانه‌های توجه به تربیت جنسی را می‌توان در قرآن کریم و روایات معصومین ملاحظه کرد؛ به طوری که بر اساس مبانی قرآن مقوله‌های «توجه به گزینه جنسی به عنوان یک نیاز، ازدواج راه طبیعی و پذیرفته شده پاسخ‌دهی به گزینه

جنسی، معاشرت و تعامل شایسته زن و مرد (با جنس مخالف)، عفت و پاک‌دامنی، رعایت حریم روابط در ارتباطات خانوادگی و اجتماعی، پرهیز از ناپهنجاری جنسی و تولیدمثل، همچنین مقوله‌های «توجه به غریزه جنسی به عنوان یک نیاز، ازدواج راه طبیعی و پذیرفته شده پاسخ‌دهی به غریزه جنسی، معاشرت و تعامل شایسته زن و مرد (با جنس مخالف)، عفت و پاک‌دامنی و رعایت حریم روابط، توجه به سنت پیامبر، تولیدمثل» بر اساس روایات معصومین (محمد جانی، یارمحمدیان، کج باف و قلتاش، ۱۳۹۵)، قابل دریافت است. البته توجه به تربیت جنسی نیز در سیره حضرت علی (ع) و در نهج‌البلاغه ذیل مواردی نظیر؛ پرهیز از وسوسه‌های دنیا و فریفته‌شدن به آن، هشدار نسبت به پیامدهای شهوت، راه‌های غلبه بر شهوت و ... قابل احصاء بوده (ثابت، ۱۳۷۹). از این رو، پرداختن آیات و روایات به مسائل تربیت جنسی، بزرگان را به آن کشانده که در تبیین ضرورت این قسم از تربیت، تلاش وافر از خود برجای گذارند. به عنوان نمونه فیض کاشانی (۱۳۹۹ق، ۱۳۸۳ق) خاطر نشان می‌سازد که «شهوت و تمایل جنسی برای ایفای لذت جنسی و بقای نسل در آدمی به ودیعت نهاده شده، اما بدون تردید این تمایل نیرومند و سرکش نیاز به هدایت و تعدیل دارد و در صورتی که مهار نگردد و به افراط کشیده شود و یا مغفول ماند و به تفریط گراید و به اعتدال نباشد، قطعاً دین و دنیای آدمی را تباہ می‌سازد» (بهشتی، ۱۳۸۵).

از سوی دیگر می‌توان اذعان داشت که در کشور ایران با نظر به رسالت افراد در راستای عبد صالح بودن، دستیابی به حیات طیبه و بر اساس شاخص‌های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ضرورت توجه به امر تربیت جنسی بیش از پیش نمایان می‌گردد. بدان معنی که از لازمه‌های تربیت جنسی توجه به تفاوت‌های جنسی در پرورش و ارتقاء دانش‌آموزان و فراگیران نظام آموزشی محسوب می‌گردد، که در سند تحول نیز آمده است که شایستگی‌های ضروری با توجه به تفاوت‌های جنسی^۷ ناظر به نقش‌های جنسیتی در تجارب تربیتی نظام تربیت رسمی و عمومی گنجانده و توجه نظام تربیت بایستی بر اساس مشی عدالت‌جویانه به تشابهات جنسی و جنسیتی و هم تفاوت‌ها توجه داشته باشد (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰، صص ۳۴-۲۳۳). با این اوصاف و با نظر به مبنای قرآنی، روایات معصومین و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

به‌مثابه سندی بالادستی در نظام تعلیم و تربیت می‌بایست توجه به تربیت جنسی به عنوان ساحت مهمی از تربیت را موضوعی مبرهن و غیرقابل چشم‌پوشی به شمار آورد. البته ضرورت توجه به ویژگی‌های افراد با توجه به جنسیت نیز از مطالبات مقام رهبری در سال‌های گذشته بوده است چنانکه ایشان می‌فرمایند: «چه چیزهایی به‌تناسب نسل‌ها یا جنسیت‌ها لازم است، آن‌ها را بگنجانیم. فرض بفرمائید در کتاب‌های درسی دختران ممکن است چیزهایی لازم باشد در زمینه‌های خانه‌داری، تربیت فرزند و امثال این‌ها؛ و در کتاب‌های پسران ممکن است چیزهای دیگری لازم باشد در مواجهه با مسائل کار، زندگی و امثال این‌ها؛ این‌ها مراقبت لازم و دیده‌بانی دائم احتیاج دارد و باید این کارها انجام بگیرد. به‌هرحال کار، بسیار کار مهمی است» (بیانات رهبری در دیدار جمعی از فرهنگیان، ۹۲/۲/۱۸). در عین حال که ضرورت تربیت جنسی مشخص گردیده، اما یافته‌ها و بررسی‌ها حاکی از فقدان توجه کافی به این موضوع بوده و بخش زیادی از مفاهیم مرتبط با تربیت جنسی در برنامه درسی مدارس گنجانده نشده است، یعنی می‌توان آن را در ذیل برنامه درسی مغفول^۱ - قلمروهای موضوعی تدریس نشده (آیزنر، ۱۹۹۴) - انگاشت. با این حال دبیران و دانش‌آموزان بر اهمیت گنجانیدن محتوا و تجارب یادگیری مرتبط با تربیت جنسی در دوره متوسطه تأکید دارند (امینی و همکاران، ۱۳۹۰) که البته با نگاهی به پژوهش‌های گذشته نمایان می‌شود تلاش‌های گسترده‌ای از سوی پژوهشگران مبنی بر طراحی و ارائه الگو تربیت جنسی صورت گرفته است به عنوان مثال؛ قلتاش و محمد جانی (۱۳۹۷) به «طراحی چارچوب برنامه درسی تربیت جنسی بر اساس مبانی تربیت اسلامی» اهتمام ورزیده‌اند. محمد بیگی، فقیهی و ناطقی (۱۳۹۷) نیز در پژوهش خود به «بررسی برنامه درسی تربیت جنسی در دوره ابتدایی مبتنی بر دیدگاه معلمان و ارائه راهکارهای مطلوب از دیدگاه متخصصان» پرداخته‌اند. همچنین اعتمادی زاده و نوری (۱۳۹۷) به «شناسایی و طبقه‌بندی مسائل اساسی دانش‌آموزان دوره ابتدایی در ارتباط با جنسیت و مسائل جنسی» پرداختند. از دیگر پژوهش‌های مرتبط با پژوهش حاضر می‌توان به پژوهش حاجی پور، برخوردار و کشاورز اشاره نمود که با هدف «تحلیل گفتمان انتقادی تربیت جنسی در نظام آموزش و پرورش ایران (وضعیت موجود) مبتنی بر اسناد مکتوب» صورت گرفته است.

محمد جانی و همکاران (۱۳۹۵) تلاش کردند که «الگوی برنامه درسی تربیت جنسی دوره نوجوانی بر اساس مبانی قرآن و روایت‌های معصومین» ارائه دهند. همچنین شیرازی فرح، عابدی سرآسیا و محمدیان (۱۳۹۵)، یاری دهنوی و ابراهیمی شاه‌آبادی (۱۳۹۵)، محفوظی موسوی، جعفرنژاد (۱۳۹۴) و ... از دیگر پژوهشگرانی هستند که پژوهش‌هایی در این حیطه انجام داده‌اند. با این حال وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های گذشته در این است که با نگاهی به سند تحول بنیادین به عنوان یک سند بالادستی - که برگرفته از مبانی قرآنی است - از ارائه و طراحی الگو خودداری شده است. کما این‌که به اعتقاد نگارندگان در شرایط کنونی و با وجود الگوهای ارائه شده و همچنین تأکید سند تحول بر این ساحت تربیتی به ریشه‌های مغفول ماندن و اجرایی نشدن تربیت جنسی پرداخته شود. همچنین نگارندگان بر این موضوع تأکید دارند که تربیت جنسی همکاری و هم‌افزایی بین دست‌اندرکاران و والدین را می‌طلبد، پس جهت شناسایی بهتر موانع آن بایستی علاوه بر مسئولان آموزشی به نظارت و تجارب والدین نیز رجوع شود.

از این رو با نظر به آنچه گذشت، حساسیت دوره نوجوانی و موضوعات مرتبط با دوره متوسطه از قبیل؛ برخورداری از بهداشت جسمی - روانی، بلوغ، آمادگی برای ازدواج، ورود به دانشگاه و ارتباط با جنس مخالف، فضای ملتهب مجازی از یک‌سو، همچنین استفاده از اصطلاح «تربیت جنسی» در سند مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰) از سوی دیگر، نه‌تنها حکایت از اهمیت دادن به تربیت جنسی متربیان در دوره آموزش رسمی و عمومی دارد، بلکه در سند مذکور با ارائه عبارتی همچون؛ «تعديل غرايز و تمايلات و عواطف طبيعي» در هدف‌های ساحت زیستی و بدنی که نشان از دوری از حالت‌های افراط - تفریطی و پذیرش حالت تعدیل می‌باشد (حاجی پور و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۴۵)، موجبات امر را فراهم آورد که در راستای تعالی نظام آموزشی کشور، در پژوهش حاضر به واکاوی چالش‌ها و موانع تحقق برنامه درسی تربیت جنسی از دیدگاه نزدیک‌ترین افراد به فراگیران یعنی والدین، معلمان و دست‌اندرکاران اجرایی آموزش و پرورش پرداخته گردد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس رویکرد کیفی و با روش پدیدارشناسی توصیفی^۹ صورت پذیرفته است. در واقع اکثر متخصصان به مانند نیومن^{۱۰} (۱۹۹۷) برآنند که رویکرد کیفی، ریشه در پارادایم‌های تفسیری و انتقادی دارد (ایمان، ۱۳۹۶، ص ۱۴۶) و برخی‌های از مطالعات مردم‌شناسی و پارادایم تفسیرگرایی به عنوان خاستگاه آن یاد کرده‌اند (پاک سرشت، ۱۳۸۴؛ به نقل از نصر و شریفیان، ۱۳۸۶، ص ۱۰). با این حال سارانتاکوس^{۱۱} (۱۹۹۳) عنوان می‌کند که رویکرد کیفی پژوهش، تنها از روشی واحد و یگانه برخوردار نیست و تعدد روش دارد. به طوری که روش‌های متعدد و چندگانه رویکرد کیفی، نه تنها از ویژگی ابزاری و خشک برخوردار نبوده، بلکه متناسب با نوع و ماهیت مسئله پژوهش، به پژوهشگر کمک می‌کند که در تعاملات انسانی و در جهت دستیابی به معنا و فهم دنیای اجتماعی بهره‌مند شود (نقل از ایمان، ۱۳۹۶، صص ۱۴۷-۱۴۸). از این رو دنزین و لینکلن^{۱۲} (۲۰۰۰) بیان می‌کنند که «واژه کیفی بر ویژگی‌ها، پدیده‌ها، فرایندها و آن دسته از معنای تأکید دارد که در قالب کمیت، مقدار، شدت یا فراوانی سنجیده نمی‌شود» (نصر و شریفیان، ۱۳۸۶، ص ۱۱). همچنین از آنجایی که در پژوهش پدیدارشناسی، پژوهشگر سعی دارد که «پدیده‌ها را از طریق عمق تجربه‌های افراد از درون احوال و منویات و مرادات خود آن‌ها فهم کند» (فراستخواه، ۱۳۹۷، ص ۷۰)، در این پژوهش نیز سعی شده است تا مبنای استخراج یافته‌ها درک و تجربیات خود اطلاع‌رسان‌های^{۱۳} پژوهش، در خصوص موانع برنامه درسی تربیت جنسی باشد. اطلاع‌رسان‌ها با روش نمونه‌گیری هدفمند^{۱۴} از نوع ملاکی، از میان والدین، معلمان و مدیران در سطح چهار مدرسه دوره متوسطه دوم در منطقه شش تهران انتخاب شدند. ملاک ورود به مطالعه برای والدین داشتن فرزندان بین سنین ۱۵ تا ۱۷ سال و دارا بودن روحیه و سابقه مشارکت، برای معلمان استفاده از مربیان بهداشت که در طول هفته ۱۲ ساعت موظف به تدریس امور بهداشتی بودند. همچنین استفاده از مربی پرورشی به عنوان رابط تربیتی بین مدرسه / والدین و ارتباط مشاوره‌ای با دانش‌آموزان، برای مدیران به دلیل تعداد محدود، استفاده از تمام شماری مبنای کار قرار گرفت. شرط الزامی برای شروع مصاحبه اختیاری بودن ورود و خروج اطلاع‌رسان‌ها تعیین شد. داده‌های مورد

نیاز با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و با استفاده از ضبط صوت جمع‌آوری شد. قبل از مصاحبه سؤالات تحقیق با استفاده از ایمیل (Email) در اختیار اطلاع‌رسان‌ها قرار داده شد و ضمن اطمینان از محرمانه ماندن اطلاعات، مجوز ورود در جریان مصاحبه اخذ گردید. طول مدت مصاحبه بین ۱۵ تا ۳۵ دقیقه بر اساس تمایل اطلاع‌رسان‌ها متغیر بود و هر مصاحبه برای هر اطلاع‌رسان ابتدا با سؤالات کلی آغاز و به تدریج بر اساس تحلیل داده‌ها با سؤالات اکتشافی ادامه یافت. اشباع داده‌ها^{۱۵} با اطمینان بالا در نوزدهمین نفر حاصل شد. در جدول ۱ ویژگی‌های جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان نمایش داده شده است.

جدول ۲: اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان

شماره شرکت‌کننده	جایگاه شغلی	جنسیت	نام مدرسه	شماره شرکت‌کننده	جایگاه شغلی	جنسیت	نام مدرسه
۱	مدیر	مرد	X	۱۱	مربی پرورشی	مرد	V
۲	مدیر	مرد	Y	۱۲	مربی پرورشی	مرد	Z
۳	مدیر	مرد	V	۱۳	مادر (خانه‌دار)	زن	X
۴	مدیر	مرد	Z	۱۴	مادر (خانه‌دار)	زن	X
۵	مربی بهداشت	مرد	X	۱۵	مادر (پرستار)	زن	Z
۶	مربی بهداشت	مرد	Y	۱۶	مادر (مددکار اجتماعی)	زن	Y
۷	مربی بهداشت	مرد	V	۱۷	پدر (کارمند)	مرد	Y
۸	مربی بهداشت	مرد	Z	۱۸	پدر (خیاط)	مرد	V
۹	مربی پرورشی	مرد	X	۱۹	پدر (کارشناس بهداشت)	مرد	V
۱۰	مربی پرورشی	مرد	Y	۲۰	-	-	-

لازم به ذکر است که راهبرد هفت مرحله‌ای گلایزی^{۱۶} (۱۹۹۷) برای تحلیل یافته‌ها مورد استفاده قرار گرفته است (ابوسوشا^{۱۷}، ۲۰۱۲؛ عبادی، ۱۳۸۸؛ به نقل از مکیلانی، درانی و صالحی، ۱۳۹۷). تحلیل یافته‌ها در هفت مرحله شامل، رونویسی مصاحبه‌ها^{۱۸} (شامل: ۱۹ متن، ۵۵ صفحه، ۱۰۸۵ خط)، شناسایی اظهارات مرتبط با بحث^{۱۹} (شامل: ۱۲۶ اظهار مهم از ۱۹ متن)، فرموله کردن مفاهیم از دل اظهارات مرتبط^{۲۰} (شامل: ۱۲۶ مفهوم فرموله شده از دل ۱۲۶ اظهار مهم)، مشخص کردن دسته‌های موضوعی و مضامین اصلی^{۲۱} (شامل: ۳ مضمون اصلی و ۹ مضمون فرعی)، توصیف جامع از پدیده مورد نظر^{۲۲}، تقلیل‌سازی یافته‌ها^{۲۳} و در نهایت اعتباریابی با استفاده از بازبینی اعضا^{۲۴} صورت پذیرفت. همچنین به منظور اعتباربخشی نهایی به یافته‌ها علاوه بر بازبینی

توسط اعضاء از سه روش ممیزی بیرونی^{۲۵}، چندسویه‌سازی^{۲۶} و درگیری طولانی‌مدت^{۲۷} پژوهشگران در جریان مصاحبه استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

داده‌های برآمده از مصاحبه با اطلاع‌رسان‌های پژوهش نشان می‌دهند که محدودیت‌های تحقق تربیت جنسی در مدارس متوسطه را می‌توان در ۳ مضمون اصلی و ۹ مضمون فرعی طبقه‌بندی کرد.

مضمون اصلی ۱: موانع خانوادگی

موانع خانوادگی از جمله عواملی است که اطلاع‌رسان‌های پژوهش در تحقق نیافتن تربیت جنسی مدارس مؤثر دانستند. در این میان مقاومت و بی‌میلی والدین در برابر تربیت جنسی فرزندان، ضعف مهارت‌های ارتباطی مطلوب بین والدین و فرزندان و غلبه نگاه بزرگ‌سالی بر مسائل جنسی نوجوانان از مهم‌ترین موانع شناخته شدند.

مضمون فرعی ۱-۱: مقاومت و بی‌میلی والدین در برابر تربیت جنسی فرزندان

مقاومت والدین در برابر اجرای برنامه درسی تربیت جنسی در مدارس به عنوان یک عامل ضروری شناخته شد. اغلب والدین اعتقاد داشتند که دانش‌آموزان برای پذیرش تربیت جنسی خیلی کوچک هستند و مطرح کردن مسائل جنسی موجب می‌شود که آن‌ها درگیر فعالیت جنسی زودتر از موعد گردند، آن‌ها تلاش می‌کنند تا رفتارهای فرزندان خود را کنترل کنند. همچنین این مفهوم در ذهن والدین متبادر می‌گشت که «ندانستن فرزندان ما بهتر از انتقال نادرست مفاهیم جنسی است». ضعف اطلاعاتی و نگرش منفی و محدود والدین به عنوان عوامل بازدارنده و مکانیسم تدافعی در برابر انتقال صحیح تربیت جنسی به دانش‌آموزان شناسایی گردید. الف. ب مربی بهداشت مدرسه متوسطه با ۸ سال سابقه می‌گوید:

«ضعف اطلاعاتی والدین باعث شده که نسبت به اجرای برنامه یا طرح تربیت جنسی در مدارس جبهه‌گیری کنند. من در برخوردهایی که با چند تا از والدین در اتاقم داشتم، وقتی از او‌نا راجع به اینکه آیا تمایل دارن تا ما با فرزندانشان در مورد مسائل

جنسی صحبت کنیم یا نه؟ اکثر اونا از خودشون مقاومت نشون می دادند و می گفتند که ندانستن فرزند ما بهتر از دانستن آنان است، بدون آنکه هیچ کدام به عواقب ندانستن آگاه باشند". یکی دیگر از مربیان اشاره دارد: «البته ضعف اطلاعاتی والدین هم از آنجا ناشی می شه که خود اونا هم به صورت علمی با این موارد آشنا نشدند و بر اساس سنت رفتار می کنند».

علاوه بر دانش محدود، نگرش منفی و محدود والدین نسبت به مقوله تربیت جنسی باعث شده بود که اغلب آنان با برگزاری چنین کلاس‌هایی مخالفت کنند و یا در صورت موافقت، در سطح خیلی محدود و آن‌هم به منظور خالی کردن باری از دوش خود آن را به مدارس واگذار می کنند. نگرش محدود والدین نسبت به مسائل جنسی را می توان از دل صحبت‌های آقای ز.خ با ۱۸ سال سابقه به خوبی فهمید:

«یکی از مشکلات اولیا هستند، اولیا بچه‌ها اصلاً بعضی هاشون حاضر نیستند یک هم‌چین اطلاعاتی حتی خیلی محدود را هم دریافت کنند. یعنی یه جورایی با اولیا داریم مقابله می کنیم. ماها بیشتر در مورد بچه‌ها صحبت می کنیم که چطور با آنان برخورد کنیم، در صورتی که در درجه اول باید بدوینیم چجوری با اولیا برخورد کنیم. اولیاء ما متأسفانه توجه نیستند که علت این که بچه‌ها این قدر مشکل دارن بیشتر از مشکلاتی است که اولیا به وجود میاورن».

مضمون فرعی ۱-۲: ضعف مهارت‌های ارتباطی مطلوب بین والدین و فرزندان

والدین معتقد بودند توانایی صحبت کردن با فرزندانشان در مورد تربیت جنسی را ندارند. یک مطالعه نشان می دهد که تنها ۱۳/۷۷٪ از دانش‌آموزان، والدین را به عنوان منابع کسب اطلاعات جنسی انتخاب می کنند (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۸۶). دلایل ناتوانی در گفتگو با فرزندان از سوی والدین مواردی چون: تداعی شدن مسائل جنسی با شرم و حیا، درک نادرست از مفهوم تربیت جنسی عنوان شد. آقای م. الف صاحب دو فرزند پسر در این رابطه می گوید:

«حتی از سال‌های قبل وقتی می خواستم راجع به مسائل ابتدائی مثل نحوه انجام غسل و بهداشت دهان و دست و... بگم خیلی راحت حرفم را با بچه‌ها در میان میداشتم، اما وقتی که به مسائلی مثل شناخت اعضای بدن یا نحوه تولیدمثل و جلوگیری

از بیماری‌های مقاربتی میخام صحبت کنم به پت پت می‌افتم و نمی‌تونم منظورم رو برسونم و علت این امر را هم مساوی دانستن شرم و حیا با مسائل جنسی در خودم می‌بینم که از کودکی با این امر بزرگ شده‌ام».

برخی از والدین اشاره دارند که ضعف در برقراری ارتباط مناسب با فرزندان باعث شده است که آن‌ها (فرزندان) نتوانند آزادانه احساسات، اضطراب‌ها و نگرانی‌های خود را بدون احساس ترس یا طرد شدن با آن‌ها (والدین) در میان بگذارند، این امر خود توانسته بود به آسیب‌های روحی و روانی در دانش‌آموزان منجر شود. این موضوع را می‌توان از زبان آقای الف.ب. مربی بهداشت با ۸ سال سابقه به خوبی فهمید:

«یک روز که من در اتاقم نشسته بودم یکی از بچه‌ها به من مراجعه کرد و در خصوص آزار جنسی که به او رسیده بود ابراز نگرانی می‌کرد. زمانی که من از او پرسیدم چرا با پدر یا مادر این موضوع را در میان نمی‌گذاری؟ این‌گونه جواب داد که از اونا خجالت می‌کشم که بخوام بگم، تو رو خدا شما هم راجع به این موضوع چیزی به اونا نگوید. همین کودک به جایی رسیده بود که می‌خواست ترک تحصیل کند اما با پا در میانی یک سری افراد مشکل حل شد».

مضمون فرعی ۱-۳: غلبه نگاه بزرگ‌سالی بر مسائل جنسی نوجوانان

یافته‌های یک پژوهش نشان می‌دهد، که بین دیدگاه والدین با نوجوانان در ارتباط با بلوغ و هویت جنسی تفاوت معناداری وجود دارد (نصیری، تفاق، مقصودی و حسن‌زاده، ۱۳۸۰). با وجود تفاوت در نیازهای جنسی نوجوانان و بزرگسالان (وندروا^{۲۸}، ۲۰۰۹) برخی از والدین اصرار داشتند تا بگویند «فرزندان ما قرار هست همان چیزی را تجربه کنند که ما اکنون تجربه می‌کنیم». همان‌طور که وندروا معتقد است، بسیاری از بزرگسالان تمایلات جنسی را رفتارهایی از قبیل: بوسیدن، هم‌آغوشی و ارضا شدن می‌دانند اما رفتارهای جنسی برای نوجوانان می‌تواند معانی عاطفی مثل ایجاد احساس امنیت و آرامش و توجه به نیازهای متناسب با دوره نوجوان داشته باشد (وندورا، ۲۰۰۹)، با این وجود؛ در پژوهش حاضر چون در مسائل جنسی درک و تفسیر والدین ارجحیت داشت، والدین این درک را به فرزندان‌شان نسبت داده و نمی‌توانستند برای آینده جنسی آن‌ها تصمیم‌گیری نمایند. یکی از والدین می‌گوید: «الان

بچه من هنوز ۱۴ سال داره؛ خب اگه یک چیزی بهش بگم اون تحریک میشه بره انجام بده». همچنین سخنان آقای ب.ج در این باره قابل تأمل است: «از الآن چه لزومی داره که فرزندانمان راجع به مسائل زناشویی بدانند». یکی از مدیران با نگاه متفاوت نسبت به مشارکت‌کننده قبلی می‌گوید: «اگر والدین می‌خواهند به نیازهای جنسی فرزندان‌شان آشنا شوند و با آن برخورد مناسب نمایند؛ باید از دریچه نگاه فرزندان خود به نیازها وارد شوند که البته این خود نیازمند سرایت ندادن تصورات به فرزندانمان هست».

با این حال آقای الف. م مدیر مدرسه می‌گوید: دانش‌آموزان ما دوست دارند، درباره رفتار جنسی خود با والدینشان باز و بی‌پرده و صریح باشند. اما با توجه به این‌که اگر در این باره از والدین سؤال کنند، مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند، چرا که اونا فکر می‌کنند سؤالاتشون برای مسائل زناشویی است، لذا سعی می‌کنند در جایی که هیچ‌کس نباشد به مسائل جنسی خود رسیدگی کنند. معاون پرورشی در تصدیق صحبت‌های آقای مدیر از درد دل‌های برخی از دانش‌آموزان برای ما گفت: «با دوستانم راحت‌ترم راجع به این چیزها (مسائل جنسی) صحبت کنم؛ با مامان و بابام که حرفشمن نزن!». و یا یکی دیگر از دانش‌آموزان که به من (معاون پرورشی) می‌گفت: «وقتی مامان و بابام نمی‌تونند راجع به این مسائل با من صحبت کنند؛ انتظار داری من جلوی اونا بلبل باشم».

مضمون اصلی ۲: موانع سازمانی

دومین محدودیت که اطلاع‌رسان‌ها به آن اشاره داشتند موانع سازمانی بود. در این میان کمبود چشمگیر معلم متخصص حوزه تربیت جنسی در آموزش و پرورش، محدودیت و چالش برانگیز بودن منابع آموزشی در حوزه تربیت جنسی، ضعف خط‌مشی مناسب حمایت از تربیت جنسی در چارچوب تربیت اسلامی و چالش تعامل مطلوب مدرسه و خانه از مهم‌ترین عوامل سازمانی شناخته شد. که به تشریح هر کدام می‌پردازیم:

مضمون فرعی ۱-۲: کمبود چشم‌گیر معلم متخصص حوزه تربیت جنسی در

آموزش و پرورش

کمبود معلم در حوزه تربیت جنسی از جمله مواردی بود که در فرایند مصاحبه‌ها بدان اشاره شد. به طوری که مانند دروس دیگر، معلمی با اشراف موضوعی - به مانند

شیوه‌ها، مهارت‌های تدریس و... - بر حیطه تربیت جنسی وجود ندارد. که همین موضوع نیل به تربیت جنسی را با مشکلاتی روبه‌رو کرده است.

اغلب معلمان معتقد بودند مهارت‌های لازم برای انتقال تربیت جنسی در مدارس را ندارند، یکی از معلمان در این رابطه می‌گوید:

«تدریس یک هنر و حرفه است و برای انجام دادن این حرفه شما نیازمند مهارت‌هایی در همان زمینه مورد بحث هستید. در خصوص مفاهیم جنسی وقتی ما می‌خواهیم در مورد موضوعات حساس مثلاً سوءاستفاده جنسی یا راه‌های انتقال ایدز و پیشگیری از آن با دانش‌آموزان صحبت کنیم واقعاً چالش برانگیز است. ما به این دلیل که مفاهیم را سربسته و مبهم برای دانش‌آموزان بیان می‌کنیم بسیاری از آنان متوجه نمی‌شوند و در نتیجه نمی‌توانیم با آنان ارتباط برقرار کنیم. دانش‌آموزان هم با مطرح کردن موضوعات جنسی حساسیت‌زا راحت نیستند و تصور می‌کنند که این موضوعات غیراخلاقی هستند».

دلیل دیگر فقدان تخصص معلمان هم دریافت نکردن تحصیلات آکادمیک در حوزه تربیت جنسی توسط معلمان این حوزه شناخته شد.

«آقای ز.خ مربی بهداشت در این رابطه مانند دیگران به صحت عملکرد خود در تربیت جنسی اعتماد ندارد. پذیرش مسائل جنسی نوجوانان از نظر او خیلی عجیب است و فکر می‌کند که تنهایی و بدون ابزار مناسب نمی‌تواند این مشکل را حل کند. او هم مانند دیگر معلمان از بعد جسمی، فیزیولوژیک و طبیعی موضوع را نگاه می‌کند و خود را نیازمند کسب علم کافی می‌بیند. حال به قول همه دوستان ما نمی‌دانیم چه راهکاری بدیم، ما مشکلات را می‌گوییم، اما نمی‌دانیم که بدن بچه‌ها از نظر فیزیولوژی باید چجوری باشد یا بچه‌ها در هر سنی به چه چیزهایی نیاز دارند، اینجور مسائل نیاز به اطلاعات پزشکی داره درحالی‌که ما هیچی نمی‌دانیم از این موضوع. آقای ا.ز مدیر مدرسه نیز می‌گوید: «نه تنها در مدارس متوسطه بلکه بین قشر دانشگاهی ما، در مقابل مسائل جنسی بچه‌هاشون و سؤال جنسی آنان هیچ پاسخ علمی صحیح ندارن بدن حتی خیلی هاشون شاید فکر نکنن تابو هست چون قشر روشن فکر مملکت هستند. ولی اطلاع نداره، یعنی تخصص لازم بین اونا هم نیست!».

مضمون فرعی ۲-۲: محدودیت و چالش برانگیز بودن منابع آموزشی در حوزه

تربیت جنسی

معلمان و مدیران معتقد بودند که فقدان مواد و منابع آموزشی یکی از مشکلات عمده در سر راه آنان هست. آن‌ها معتقدند برای دختران تا حدودی بسته‌های آموزشی تدارک دیده شده است ولی برای آموزش پسران هیچ‌گونه بسته آموزشی، کتاب و یا کتاب راهنما وجود ندارد و به همین جهت معلمان مهارت صحبت کردن با دانش‌آموزان را ندارند و خیلی از وقتا سر درگم می‌شوند و پاسخ‌های اشتباه می‌دهند که می‌تواند برای کودکان مخاطره‌آمیز باشد. مهram و نبی زاده شهری (۱۳۸۶) در پژوهش خود به بررسی محتوای کتب درسی دوره‌های راهنمایی و متوسطه از حیث تربیت جنسی، پرداختند که یافته‌های پژوهش آنان بر فقدان ایفای نقش لازم کتب درسی در تربیت جنسی مخاطبان اشاره دارد. برحسب این مطالعه، به‌طور متوسط کمتر از ۰/۰۰۰۴ حجم کتب درسی مورد مطالعه به این مهم پرداخته است. البته در این زمینه یکی از افراد مورد مصاحبه چنین بیان داشت که:

«ما کتابی در این زمینه نداریم. منابع تدریس و یادگیری وجود ندارد و یا اگر هم در برخی کتاب‌ها اشاره شده خیلی محدود است. به‌طور کلی ما منابعی به‌منظور تسهیل کردن فرایند یادگیری در خصوص تربیت جنسی نداریم.»

مشکل دیگر مربوط به این مضمون فرعی را می‌توان از دل صحبت‌های آقای زرخ فهمید. که اظهارت وی تأییدکننده دو مضمون فرعی منابع محدود آموزشی و همچنین نبود معلم متخصص می‌باشد. «مشکل مهم دیگر اینه که معلم‌هایی که به‌عنوان مربی بهداشت در مدارس کار می‌کنند هیچ‌گونه دستورالعمل یا محتوای مشخصی ندارند تا به‌بچه‌ها انتقال دهند. این مسائل باعث شده که معلمان بهداشت چه آقا و چه خانم کلاً نادیده گرفته شوند. ما قرار بود در هفته حدود ۱۲ ساعت تدریس داشته باشیم اما شرح وظایفی که به ما دادند اینه که فقط سر صف به بهداشت فردی مثل گوش، چشم و دهان پرداخته شود و هیچ چیزی در مورد تربیت جنسی به ما نگفتن تا اجرا کنیم و اکنون هم این گمانه‌زنی وجود دارد تا مربیان بهداشت را از مدارس متوسطه حذف کنند». لازم به ذکر است که در زمان انجام مصاحبه برخی از افراد در مدارس منتخب

عنوان کردند که زمزمه‌هایی مبنی بر حذف مربیان بهداشت به جهت تعدیل نیرو وجود داشته و هدف آن است که وظایف شغلی آنان را معلمان زیست یا مشاور مدرسه دنبال کنند.

مضمون فرعی ۲-۳: ضعف خط‌مشی مناسب حمایت از تربیت جنسی در

چارچوب تربیت اسلامی

سیاست‌های اعمال شده از طرف سازمان‌های مرتبط بر دیدگاه مربیان و عملکرد آنان مؤثر شناخته شد. فقدان سیاست مشخص اجرایی و محدودیت در قانون‌گذاری و از سوی دیگر نامشخص بودن وظایف مربیان بهداشت آنان را در مواجهه با مسائل جنسی سر در گم می‌کند.

آقای م.ل «از عدم توانمندی خود در زمینه تربیت جنسی دانش‌آموزان گله‌مند بود و اذعان می‌کرد که ما قدرت لازم را برای ورود به این موضوعات برای تربیت افراد برخوردار نیستیم و از استقلال کافی برای مدیریت موضوع جنسی برخوردار نیستیم. اگر بشود مدیران با بسترسازی فرهنگی از معلمانی که با این چالش‌ها روبه‌رو هستند حمایت کنند، خیلی خوب است».

آقای ع.و فقدان سیاست آموزشی را این‌گونه توجیه می‌کند که: «من خودم در طول ۱۴ سال سابقه‌ای که در این خصوص دارم به ندرت دیده‌ام که بخشنامه یا ابلاغیه‌ای مبنی بر تربیت جنسی داده شود، البته در مورد بهداشت اعضای بدن دستورالعمل‌هایی صادر شده است. همچنین ما به خاطر محدودیت در قانون‌گذاری نمی‌توانیم محتوای مشخصی را برای این درس مشاهده کنیم».

مضمون فرعی ۲-۴: چالش تعامل مطلوب مدرسه و خانه

تعامل یا مشارکت والدین با مدارس یکی از اساسی‌ترین موضوعات جهت ارتقا و بهبود کیفیت آموزش و پرورش به شمار می‌رود. از این رو در تعاریف از آن با عنوان تعامل و مشارکت والدین/مدرسه به رفتارها و کنش‌های متقابل بین والدین و مدرسه از جمله، ارتباط والدین با معلمان (اپستین، ۲۰۱۱)، مشارکت والدین در فعالیت‌های مدرسه (گرینوود و هیکنم^{۲۹}، ۱۹۹۱) و پیشبرد آرزوهای والدین برای آینده فرزندان خود (اسپرا^{۳۰}، و نترز^{۳۱} و ماتو^{۳۲}، ۲۰۰۹) یاد شده است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که چالش تعامل مطلوب مدرسه و خانه یکی از جمله موانع حوزه تربیت

جنسی است که بیشتر متوجه خانواده‌ها و مخالفتی است که مادران از انتقال مفاهیم جنسی به فرزندان دارند. آقای ع. و مدیر مدرسه در این باره می‌گویند: «به نظر من مادران یکی از عوامل تقویت‌کننده تعامل بین خانواده و مدرسه هستند. اما وقتی خود مادران می‌گویند که انتقال مفاهیم جنسی برای کودک ما مخاطره‌آمیز است این می‌تواند خود دلیلی باشد که مدرسه نتواند در این موارد با آن‌ها جلساتی را تشکیل دهند».

عامل دیگر که مانع تعامل است متوجه خود مدرسه و نبود راهبردهای مناسب و مشخص از سوی مدرسه است. خانم ک.ج در این باره می‌گوید: «حالا این یک طرف مسئله و طرف دیگر مشکل خود مدرسه است چرا که ساختار فرهنگی مدرسه هنوز آمادگی طرح مسائل جنسی را ندارند یا بهتر بگوییم سیاست مشخصی برای این کار ترسیم نشده است. به‌طور مثال یکی از همکاران ما که در مورد راه‌های انتقال بیماری‌های مقاربتی و خودارضایی داده بود با شکایات والدین مواجه شد و توسط مدرسه توبیخ شد».

مضمون اصلی ۳: موانع فرهنگی - اجتماعی

مشکلات فرهنگی در همه جوامع تا حدودی وجود دارد. اما در کشور ما به دلیل حساسیتی که نسبت به مسائل جنسی ایجاد شده این موضوع پُررنگ‌تر به چشم می‌خورد. در این میان می‌توان مشکلات فرهنگی محدودکننده در سر راه تربیت جنسی را در ۲ زیر مضمون حساسیت اجتماعی و برداشت‌های شخصی و بدون پشتوانه از مبانی دینی بیان نمود.

مضمون فرعی ۱-۳: ضعف آگاهی اجتماعی از تعریف صحیح تربیت جنسی

حساسیت اجتماعی را می‌توان ناشی از فلسفه بدبینانه در تربیت جنسی دانست. نگاه بدبینانه به طور کامل به دنبال نادیده انگاشتن امر جنسی و حذف و طرد آن است و فقط از حیث تولید مثل به موضوع می‌پردازد. در این نوع نگاه علاقه جنسی به یک فرد او را در حد یک شیء تنزل می‌دهد (حاجی‌پور و همکاران، ۱۳۹۷). یکی از پدران مشارکت‌کننده در پژوهش، مشکلات این حوزه را ناشی از حساسیت جامعه نسبت به مسائل جنسی می‌داند و در این رابطه می‌گوید: «مشکلات فرهنگی در خصوص مسائل

جنسی مربوط به یک یا دو سال گذشته نمی‌باشد و از قرن‌ها قبل در این خصوص وجود داشته است اما در جامعه ما هر موقع راجع به این مسائل بحث می‌شود با حساسیت با آن برخورد می‌کنند، همین عامل باعث می‌شود تا این جور مسائل کم‌کم بزرگ شده و تبدیل به یک غولی شود که دیگر نمی‌توان در آن مورد صحبت کرد، من خودم در تجربه‌های شخصیم سعی می‌کنم تا مسائلی از این نوع را عادی جلوه دهم تا حساسیت‌زا نباشد».

مضمون فرعی ۳-۲: برداشت‌های شخصی و بدون پشتوانه از مبانی دینی

تربیت دینی یا تربیت بر اساس آموزه‌های دینی، در گذشته بر ایجاد مرزهای قرنطینه‌ای و تربیت گلخانه‌ای استوار بود. حال آن‌که مفهوم تربیت در معنای دقیق آن با عناصری نظیر: تبیین، تحول درونی و نقادی دارای قرابت و تعریف می‌شود. از این رو، انتظار می‌رود که تربیت دینی در رویارویی با چالش‌ها و پرسش‌های سده حاضر می‌بایست با عقلانیت، تقوای حضور و ارزیابی و گزینش همراه باشد. با این وجود می‌توان چنین عنوان نمود که، برداشت‌های شخصی و بدون پشتوانه از مبانی دینی، ریشه در افکار آن دسته از افراد دارد که سعی نکرده در حوزه تربیتی برای خود مرزی را مشخص نمایند و مدام در دو سر طیف افراط و تفریط حرکت می‌کنند (باقری، ۱۳۸۰). این موضوع را می‌توان در غالب «گفتمان مهار» در تربیت جنسی جای داد، چرا که از ویژگی‌های آن توجه بیشتر به جنبه‌های سلبی تربیت جنسی بوده و بازنمای آن از واقعیت میل جنسی به شکلی است که بیش از آن‌که به فرصت‌های میل جنسی در زندگی سعادت‌مندانه متربی بنگرد، به تهدیدهای غریزه جنسی توجه دارد (حاجی‌پور و همکاران، ۱۳۹۷). همین امر باعث می‌شود تا با وجود تأکید اسلام بر روی تربیت جنسی به کودکان حتی در سنین پایین (بهشتی، ۱۳۸۵) برداشت‌های شخصی خود را به دین نسبت داده و بر اساس مواضع شخصی به موضوع بنگرند. آقای ب.ا. مربی پرورشی در این رابطه می‌گوید: «مذهب و دین باعث نشده است که تربیت جنسی صورت نگیرد، اما طرز برداشت نادرستی که ماها نسبت به این موضوع داشته‌ایم بی‌تأثیر نبوده است. مثلاً مذهبی که ما به آن قائل هستیم به ممنوعیت رابطه زن و مرد قبل از ازدواج یا هم‌جنس‌گرایی اشاره کرده است اما از آنجایی که ما عادت کرده‌ایم تا تر و خشک را

با هم بسوزانیم مسائل مربوط به موارد جنسی مثل تشریح دستگاه تناسلی، آسیب‌های هم‌جنس‌گرایی، جلوگیری از بیماری‌های مقاربتی که اتفاقاً در دین تأکید شده است را با مواردی مثل مسائل زناشویی و ارضا شدن ربط می‌دهیم و از وجود آموزش‌های مثبت جلوگیری می‌کنیم».

جدول ۲: مضامین، زیر مضامین و کدهای اولیه «موانع برنامه درسی تربیت جنسی»

مضمون اصلی	مضمون‌های فرعی	ارتباط با بعد	کدهای احصاء شده اولیه
۳ ر ق ب م	۱- مقاومت و بی‌میلی والدین در برابر تربیت جنسی فرزندان	- مقاومت ناشی از دانش محدود - مقاومت ناشی از نگرش منفی	۱۵ کد اولیه شامل: «یکی از مشکلات اولیا هستند، اولیا بچه‌ها اصلاً بعضی‌هاشون حاضر نیستند یک هم‌چین اطلاعاتی حتی خیلی محدود را هم دریافت کنند. یعنی به جورایی با اولیا داریم مقابله می‌کنیم. ماها بیشتر در مورد بچه‌ها صحبت می‌کنیم که چطور با آنان برخورد کنیم، در صورتی که در درجه اول باید بدونیم چجوری با اولیا برخورد کنیم. اولیا ما متأسفانه توجه نیستند که علت این‌که بچه‌ها این‌قدر مشکل دارن بیشتر از مشکلاتی است که اولیا به وجود می‌آورن».
	۲- ضعف مهارت‌های ارتباطی مطلوب بین والدین و فرزندان	- ضعف ارتباطی ناشی از تداعی شدن مسائل جنسی با شرم و حیا در نگاه والدین - ضعف ارتباطی ناشی از درک نادرست والدین از مفهوم تربیت جنسی	۱۲ کد اولیه شامل: «وقتی می‌خام راجع به مسائل ابتدائی مثل نحوه انجام غسل و بهداشت دهان و دست و... بگم خیلی راحت حرفم را بچه‌ها در میان می‌زارم، اما وقتی که به مسائلی مثل شناخت اعضای بدن یا نحوه تولید مثل و جلوگیری از بیماری‌های مقاربتی می‌خام صحبت کنم به پت پت می‌افتم و نمی‌تونم منظورم رو برسونم».
	۳- غلبه نگاه بزرگ‌سالی بر مسائل جنسی نوجوانان	- تعمیم درک والدین از نیازهای جنسی خود به نیازهای جنسی دوره نوجوانی	۱۲ کد اولیه: «از الآن چه لزومی داره که دانش‌آموزان راجع به مسائل زناشویی بدانند». «اگه ما هر چقدر الآن بخواهیم رو مسائل جنسی مانور بدیم، فقط کنجکاوی‌های اونا بیشتر میشه»
۳ ر ق ب م	۱- کمبود چشمگیر معلم متخصص حوزه تربیت جنسی در آموزش و پرورش	- فقدان دریافت تحصیلات آکادمیک تخصصی - ضعف مهارتی برای انتقال مفاهیم جنسی	۱۱ کد اولیه شامل: معلم بهداشت در این رابطه مانند دیگران به صحت عملکرد خود در تربیت جنسی اعتماد ندارد. پذیرش مسائل جنسی نوجوانان از نظر او خیلی عجیب است و فکر می‌کند که تنهایی و بدون ابزار مناسب نمی‌تواند این مشکل را حل کند.
	۲- محدودیت و چالش‌برانگیز بودن منابع آموزشی در حوزه تربیت جنسی	- نبود بسته‌های محتوایی جهت تربیت جنسی - نبود کتاب تخصصی مرتبط - بی‌توجهی به مقوله تربیت جنسی در سایر کتاب‌ها	۱۲ کد اولیه شامل: «اما کتابی در این زمینه نداریم. منابع تدریس و یادگیری وجود ندارد و یا اگر هم در برخی کتاب‌ها اشاره شده خیلی محدود است. به طور کلی ما منابعی به منظور تسهیل کردن فرایند یادگیری در خصوص تربیت جنسی نداریم».

مضمون اصلی	مضمون‌های فرعی	ارتباط با بعد	کدهای احصاء شده اولیه
	۳- ضعف خط‌مشی مناسب حمایت از تربیت جنسی در چارچوب تربیت اسلامی	- نبود سیاست مشخص اجرایی - محدودیت در قانون‌گذاری - نامشخص بودن وظایف مربیان بهداشت	۱۰ کد اولیه: آقای مهل «از عدم توانمندی خود در زمینه تربیت جنسی دانش‌آموزان گله‌مند بود و اذعان می‌کرد که ما قدرت لازم را برای ورود به این موضوعات برای تربیت افراد برخوردار نیستیم و از استقلال کافی برای مدیریت موضوع جنسی برخوردار نیستیم. اگر بشود مدیران با بسترسازی فرهنگی از معلمانی که با این چالش‌ها روبه‌رو هستند حمایت کنند، خیلی خوب است».
	۴- چالش تعامل مطلوب مدرسه و خانه	- والدین به عنوان مانعی برای برقراری ارتباط بین خانه و مدرسه در امر تربیت جنسی - سردرگمی مدارس جهت پرداختن یا نپرداختن به مقوله تربیت جنسی	۱۵ کد اولیه شامل: «به نظر من مادران یکی از عوامل تقویت‌کننده تعامل بین خانواده و مدرسه هستند. اما وقتی خود مادران می‌گویند که انتقال مفاهیم جنسی برای کودک ما مخاطره‌آمیز است این می‌تواند خود دلیلی باشد که مدرسه نتواند در این موارد با آن‌ها جلساتی را تشکیل دهند».
فرهنگ اجتماعی	۱- حساسیت اجتماعی	- حساسیت‌گرایی تدریجی نسبت به مسائل جنسی در جامعه	۱۵ کد اولیه شامل: «در جامعه ما هر موقع راجع به این مسائل بحث می‌شود با حساسیت با آن برخورد می‌کنند، همین عامل باعث می‌شود تا این جور مسائل کم کم بزرگ شده و تبدیل به یک غولی شود که دیگر نمی‌توان در آن مورد صحبت کرد».
	۲- برداشت‌های شخصی و بدون پشتوانه از مباحث دینی	- قائل نبودن به معیارهای اسلامی و حرکت در دو سر طیف افراط و تفریط	۱۴ کد اولیه شامل: «مذهب و دین باعث نشده است که تربیت جنسی و موضوعات مربوط به آن صورت نگیرد. اما طرز برداشت نادرستی که ماها نسبت به این موضوع داشته‌ایم بی‌تأثیر نبوده است».

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که پیش‌تر نیز بدان اشاره شد، طرز تلقی جامعه ایرانی با فرهنگ برگرفته از دین مبین اسلام تفاوت بسیاری با دنیای امروز غرب دارد. مفاهیمی به مانند شرم و حیاء، عفت و پاک‌دامنی کاملاً نقطه مقابل آزادی و بی‌بندوباری است (فرههینی فراهانی، ۱۳۸۳؛ به نقل از فرههینی فراهانی، ۱۳۸۷، ص ۱۹) و این موضوع تنها برخی از موارد تفاوت و تقابل تربیت جنسی با تکیه بر مبانی اسلامی و آموزش جنسی مد نظر غرب‌گرایان و اندیشه‌های حاکم بر رفتار آنان می‌باشد. از این‌رو، سند برنامه درسی ملی به عنوان سندی بالادستی در نظام آموزشی کشور ما از اعتبار والایی برخوردار بوده که با رویکرد «فطرت‌گرایانه توحیدی» حاکم بر آن (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱، ص ۱۱؛

سلسبیلی، ۱۳۹۵) در بخش‌های مختلف به موضوع تفاوت‌های جنسیتی اشاره نموده است.^{۳۳} از سوی دیگر باید اذعان داشت که شرایط کنونی دنیای امروز و آشفتگی‌های آن، لزوم توجه به تربیت جنسی را برای جلوگیری از صدمه‌های اخلاقی، اجتماعی، شخصیتی و ... بیش از پیش نمایان کرده است. به واقع می‌بایست با در نظر گرفتن اهمیت توجه به تربیت جنسی سازگار با رشد در درون و بیرون مدرسه، رویارویی با این موضوع را مسئولیت اخلاقی همه افراد درگیر حوزه تربیت (نوری، موسوی، ۱۳۹۵) به شمار آورد. از این‌رو، در پژوهش حاضر بررسی موانع تربیت جنسی در دوره متوسطه دوم مورد توجه قرار گرفت. با توجه به نتایج پژوهش‌های قبلی می‌توان اذعان داشت که تربیت جنسی در همه کشورها نه تنها برداشت‌های متفاوتی در خود جای می‌دهد بلکه به دلیل شرایط فرهنگی، اجتماعی و ... کم‌وبیش از حساسیت نسبت به موضوع نیز برخوردار می‌باشد (یونسکو، ۲۰۱۱)، لذا در این پژوهش سعی شده با در نظر گرفتن مبانی اسلامی به واکاوی این ساحت مهم تربیتی - مورد اشاره در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند برنامه درسی ملی - اهتمام لازم ورزیده شود. از این‌رو یافته‌های پژوهش در ۳ مضمون اصلی و ۹ خوشه مضمونی شامل عوامل خانوادگی از جمله، مقاومت و بی‌میلی والدین در برابر تربیت جنسی فرزندان، ضعف مهارت‌های ارتباطی مطلوب بین والدین و فرزندان و غلبه نگاه بزرگ سالی بر مسائل جنسی نوجوانان، همچنین عوامل سازمانی نظیر: کمبود چشمگیر معلم متخصص حوزه تربیت جنسی در آموزش و پرورش، محدودیت و چالش برانگیز بودن منابع آموزشی در حوزه تربیت جنسی، ضعف خط‌مشی مناسب حمایت از تربیت جنسی در چارچوب تربیت اسلامی و چالش تعامل مطلوب مدرسه و خانه و در نهایت، عوامل فرهنگی - اجتماعی همچون ضعف آگاهی اجتماعی از تعریف صحیح تربیت جنسی و برداشت‌های شخصی و بدون پشتوانه از مبانی دینی از مهم‌ترین موانع تحقق تربیت جنسی در نگاه اطلاع‌رسان‌های پژوهش در مدارس متوسطه احصاء گردید.

نهاد خانواده از جمله مضامینی بود که اطلاع‌رسان‌ها به عنوان عاملی در تحقق نیافتن تربیت جنسی بدان اشاره نمودند. والدین به دلیل فقدان آموزش علمی در زمینه جنسی و همچنین نگرش محدود نسبت به آسیب‌های فردی و اجتماعی ناشی از مغفول

ماندن تربیت جنسی در برابر هرگونه تغییرات احتمالی در این نوع برنامه درسی از خود مقاومت نشان می‌دهند. از سوی دیگر فقدان تعامل صمیمی بین والدین و فرزندان باعث شده است که آن‌ها در پاسخگویی به سؤالات جنسی فرزندان احساس شرم و تردید نمایند. ریس^{۳۴} و سیدل^{۳۵} (۱۹۸۹) در پژوهش خویش اظهار داشتند که معلمان و مدیران، والدین را مانع عمده در اجرای برنامه‌های رسمی جنسی در مدارس می‌دانند و احساس می‌کنند والدین عموماً هنگام صحبت راجع به مسائل جنسی فرزندان احساس ناراحتی می‌کنند. تداعی شدن مسائل جنسی با شرم و حیا در بین والدین و تابو محسوب شدن این مسائل در خانواده از جمله عوامل اثرگذار بر فقدان تعامل مثبت بین والد و فرزند شناخته شد که این موضوع به مراتب می‌تواند مشکلات بعدی را با خود به همراه داشته باشد، یعنی زمانی که نوجوان نتواند سؤالات خود را از والدین یا معلمان بپرسد که در وهله اول قدرت پرسشگری بر وی سد شده و در وهله دوم احتمال پرسش سؤالات از افراد دیگر وجود داشته که می‌تواند منجر به یادگیری رفتارهای پرخطر در این شرایط سنی و دوران بلوغ گردد. نسبت دادن درک و تفسیر بزرگسالان نسبت به مسائل جنسی به نوجوانان مشکل دیگری بود که نهاد خانواده از آن رنج می‌برد. در واقع هنوز برخی از والدین هستند که تصمیم ندارند که به‌مثابه یک مربی در امر تربیت جنسی کنار فرزندان خود بوده و یا حتی تمایل ندارند که در مدارس نیز، فرزندان خود درباره مسائل جنسی آموزش ببینند، اصولاً از این هراس دارند که این آموزش‌ها، بی‌قیدی در امور جنسی را در فرزندان خود رواج دهند (ادلوی^{۳۶}، ۱۹۹۱). از مهم‌ترین اصول تربیت در انواع گوناگون دیدن و زیستن در دنیای فراگیر است، یعنی تا زمانی که در مریدان در دنیای فراگیر قرار نداشته باشند نمی‌توان انتظار تربیت مناسبی داشت. مشکلات سازمانی به عنوان دیگر مقوله کلی محقق نشدن تربیت جنسی از سوی اطلاع‌رسان‌های پژوهش بیان گردید. کمبود چشمگیر معلم متخصص حوزه تربیت جنسی در آموزش و پرورش، محدودیت و چالش برانگیز بودن منابع آموزشی در حوزه تربیت جنسی، ضعف خط‌مشی مناسب حمایت از تربیت جنسی در چارچوب تربیت اسلامی و چالش تعامل مطلوب مدرسه و خانه از جمله مهم‌ترین مضامین فرعی در مضمون سازمانی به شمار می‌روند. به نوعی می‌توان مشکلات یا موانع سازمانی را در

یک تقسیم‌بندی کلی به دو زیرمجموعه مشکلات درون‌سازمانی و برون‌سازمانی تقسیم کرد. به طوری که می‌توان کمبود چشمگیر معلم متخصص در حیطه موضوعی و چالش تعامل مطلوب مدرسه و خانه را در زمره عوامل درون‌سازمانی نظام آموزش و پرورش دانست. از سوی دیگر محدودیت و چالش برانگیز بودن منابع آموزشی در حوزه تربیت جنسی و همچنین ضعف خط‌مشی مناسب حمایت از تربیت جنسی در چارچوب تربیت اسلامی را - نیز که نه تنها محدود به آموزش و پرورش نیست و در نظام تعلیم و تربیت را متوجه خود کرده - متناظر با عوامل برون‌سازمانی به شمار آورد. مشهود است که معلمان همواره از نبود آموزش‌های تخصصی و آکادمیک در حوزه مسائل جنسی رنج می‌برند، همچنین با توجه به در نظر نگرفتن محتوا و بسته‌های آموزشی مشخص معلمان در پاسخگویی به سؤالات جنسی دانش‌آموزان ناتوان هستند. از سوی دیگر نبود سیاست مشخص اجرایی از سوی مدرسه و مخالفت والدین (به‌خصوص مادران) با برگزاری جلسات در حوزه تربیت جنسی، والدین و مدرسه را از اشتراک تجربیات یادگیری با یکدیگر باز می‌داشت که در نهایت هر دو طیف از توانمندی کافی در برخورد مناسب با مسائل جنسی بی‌بهره بودند. ریشه‌های حوزه سازمانی احصاء گردیده را می‌توان در اسناد بالادستی و گفتمان تربیت جنسی در آنان جستجو نمود و مقایسه سند «مبانی نظری تحول» با «سند تحول بنیادین» شاهدهی بر این مدعاست. چرا که علی‌رغم اشاره مستقیم مبانی نظری به تربیت جنسی که می‌تواند نشانگر رویکرد ایجابی به تربیت جنسی باشد، در سند تحول بنیادین که به عرصه عمل نزدیک می‌شود، تنها بر عفاف و حجاب و حیا به عنوان راهبردهای سلبی در تربیت جنسی اشاره شده است (حاجی‌پور و همکاران، ۱۳۹۷). همچنین با نگاهی به سالنامه آماری وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۶) می‌توان بر کمبود معلم در این زمینه صحنه گذارد تا جایی که نسبت و مقدار شاخص مراقبان سلامت و مشاوران مدارس این موضوع را به خوبی نشان می‌دهد. به طوری که در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ نسبت «تعداد کل دانش‌آموزان (دولتی بدون بزرگسال) به تعداد مراقب سلامت» برابر با ۱۶۸۳/۷۲ و مقدار شاخص «نسبت تعداد کل دانش‌آموزان (دولتی بدون بزرگسال) به تعداد مشاور» برابر با ۸۵۴/۹۸ بوده است. هر چند نباید عمل تربیتی در حیطه جنسی را منوط به مشاور و مراقب

سلامت کرد و لازم است که معلمان دروس مختلف نیز به نوبه خود فعالیت‌های کلاسی خویش را در راستای تحقق این ساحت تدارک ببینند، اما زمانی که در سیستم آموزشی اعتقاد به جداسازی وظایف این حیطة به مراقب سلامت و یا مشاور است، انتظار می‌رود که تعداد معلم کافی برای این امر پیش‌بینی شود.

از سوی دیگر چالش تعامل مطلوب مدرسه و خانه به عنوان یکی از اساسی‌ترین موضوعات نظام آموزش و پرورش کشور به شمار می‌رود که تنها محدود به موضوع تربیت جنسی نیست. به طوری که شاید بتوان از آن به مثابه حلقه گمشده آموزش و پرورش یاد کرد. یعنی جایی که برخی از والدین فرزندان خود را با هدف کسب علم و آگاهی به مدرسه می‌فرستند و نسبت به جنبه‌های مختلف تربیتی آنان غفلت می‌کنند. پژوهشگران چالش تعامل مطلوب مدرسه و خانه را از این جهت در زمره عوامل سازمانی قرار داده‌اند که نارسایی‌های حاکی از این چالش بیشتر معطوف به برنامه‌های نه چندان مناسب مدارس برای ارتباط با والدین است. هر چند که در نگاهی دیگر می‌توان از این موضوع در قالب عوامل فرهنگی نیز یاد کرد که بعضی از اولیاء تا حدود زیادی از بار تربیتی فرزندان خویش را بر دوش آموزش و پرورش می‌اندازند.

مفاهیم اطلاع‌رسان‌ها حاکی از آن بود که جو فرهنگی - اجتماعی حاکم بر کشور، هنوز لزوم نیاز به تربیت جنسی را به عنوان امری ضروری قلمداد ننموده، این موضوع خود می‌تواند برگرفته جولان صرف آموزش تحصیلی و پیکره غول کنکور بر سایه‌سار افکار عمومی دانست. به عبارت دیگر تا زمانی برچسب‌های دانش‌آموز خوب و بد به افراد معدل بالا و رتبه‌های برتر کنکور اطلاق می‌گردد، نمی‌توان چندان انتظار داشت که تربیت جنسی به عنوان عاملی ضروری در اذهان عموم مورد توجه واقع گردد.

بر پایه نتایج خوشه مضمونی موانع فرهنگی - اجتماعی، ضعف آگاهی اجتماعی از تعریف صحیح تربیت جنسی و برداشت‌های شخصی و بدون پشتوانه از مبانی دینی احصاء گردید. که ریشه‌های این موضوعات را می‌توان در گفتمان محافظه‌کار، که اساساً بر انتقال ارزش‌های موجود به متری در تربیت جنسی تأکید دارد، برشمرد. لایه‌های تأییدی این موضوع را می‌توان در نظام آموزش و پرورش ایران مشاهده نمود، چرا که در دال اساسی آن «مهار غریزه جنسی» و گفتمان حاکم بر آن «گفتمان مهار» است

(حاجی پور و همکاران، ۱۳۹۷). این در حالی است که به نظر می‌رسد، مرور ذهنی و کنکاش در رابطه با اتفاقاتی نظیر آزار و اذیت گروهی از دانش‌آموزان تهرانی^{۳۷}، ضرورت موضوعات بهداشت فردی، خودمراقبتی، ارتقای آگاهی زیستی و سلامت بدن - در معنای واحد تربیت جنسی - در دانش‌آموزان برای محافظت از خود در شرایط بحرانی را بیش از پیش نمایان می‌سازد^{۳۸}.

با این اوصاف و نظر به این‌که تربیت جنسی از دشوارترین و حساس‌ترین انواع تربیت در خانواده (مبردی، حسن پورازغذی و امیری فراهانی، ۱۳۹۶) و محیط مدرسه می‌باشد، موفقیت در این ساحت تربیتی تعامل و همکاری جدی را بین نهادهای ذیربط بالأخص همکاری مستمر و مداوم بین خانواده و مدرسه را طلب می‌نماید. چرا که در دنیای حاضر اعتقاد متخصصان بر این است که بدون همکاری اولیا و مربیان نمی‌توان به برنامه‌های تربیتی مدارس جامعه عمل پوشاند (ایمانی، ۱۳۸۲؛ به نقل از بلاغت، نقیب‌زاده، قائدی، محمودنیا، ۱۳۸۹). از این رو پیشنهاد می‌شود که مدارس جهت سهولت دستیابی به ارتباط مناسب مدرسه و خانه از روش‌های ارتباطی شفاهی و رودررو از جمله تماس تلفنی به خانه در زمان‌های مختلف سال، تقویم ماهانه و انتخاب یکی از اعضای مدرسه به عنوان رابط در قالب رویکردهای ارتباطی بهره ببرند (دری‌فوز، ۲۰۰۰؛ هندرسون و مپ^{۳۹}، ۲۰۰۲؛ اپستین، ۲۰۱۱). همچنین نظر به این‌که تربیت جنسی نیز می‌بایست به مانند سایر انواع تربیت به موقع خود انجام گردد (احمدی، ۱۳۹۱) و از سوی دیگر با توجه به ارتباط بسیاری از مسائل اسلامی همچون نماز، روزه، غسل، ازدواج، طلاق و حج با موضوع تربیت جنسی (ترکل، ۲۰۰۴؛ به نقل از ابراهیمی، مهram و لیاقتدار، ۱۳۹۴) و همچنین بر حسب نقش تربیتی مدرسه و ضرورت توجه به برنامه درسی تربیت جنسی از دیدگاه دبیران (احمدی، ۱۳۹۱)، تربیت جنسی می‌تواند به عنوان یک ماده درسی مستقل و یا حتی در تلفیق با مواد درسی مانند مطالعات اجتماعی در برنامه درسی مدارس تعریف گردد (نوری، موسوی، ۱۳۹۵)، یا حتی وزارت آموزش و پرورش یا سازمان تألیف به انتشار راهنمای برنامه درسی تربیت جنسی با تأکید بر هویت و فرهنگ اسلامی مبادرت ورزیده و در اختیار مربیان تربیتی قرار داده تا آنان نیز با مطالعه و پژوهش در این حیطه با آمادگی بیشتر در راستای تحقق این نوع تربیت

(محمد جانی و همکاران، ۱۳۹۵) تلاش نمایند و البته می‌توان انتظار داشت که نظارت بر عملکرد مربیان نیز صورت گیرد تا برداشت‌های حاصل از تربیت جنسی منوط به آموزش نگردد و به معنای واقعی مفهوم تربیتی و اهداف مد نظر تربیت جنسی حاصل گردد. یکی از لازمه‌های تحقق چنین وضعیتی حمایت سازمانی و علمی، از مربیان و معلمان فعال در حوزه بهداشت در برابر فشارهای والدین و جامعه می‌باشد.

یادداشت‌ها

1. Mialare
2. Sexual Education
3. Telljohann
4. Kontula
5. Weaver
6. Trudell

۷. در کنار تفاوت‌های جنسی که در ارتباط با تولید مثل و بقای نوع است، تفاوت‌های زیست‌شناختی و روان‌شناختی دیگر نیز بین زن و مرد وجود دارد که دانشمندان به آن توجه کرده‌اند.

8. Null Curriculum
9. Descriptive phenomenology
10. Neuman
11. Sarantakos
12. Denzin & Lincoln

۱۳. از آنجایی که پژوهش حاضر با رویکرد پدیدارشناسانه صورت گرفته، از واژه اطلاع‌رسان بیش از کلمه مصاحبه‌شونده بهره گرفته شده است.

14. Purposive sampling
15. data saturation
16. Colaizzi strategy
17. Abu Shosha
18. transcript
19. significant statements
20. formulated meanings
21. Categories, clusters of the themes and themes
22. Exhaustive Description of the phenomenon
23. Reduction of finding
24. Member check
25. External audit
26. Triangulation
27. Prolonged Engagement
28. Vanderdov
29. Greenwood & Hickman
30. Spera
31. Wentzel
32. Matto

۳۳. به عنوان مثال در بخش اصول ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی، آمده است که «برنامه‌های درسی و تربیتی باید ضمن تأکید بر ویژگی‌های مشترک، به تفاوت‌های ناشی از محیط زندگی (شهری، روستایی، عشایری، فرهنگی و جغرافیایی)، جنسیتی و فردی دانش‌آموزان (استعدادها، توانایی‌ها، نیازها و علایق) توجه کرده و از انعطاف لازم برخوردار باشد» (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱).

34. Reis

35. Seidl

36. Adeloeye

۳۷. وزارت آموزش و پرورش، ماجرای آزار و اذیت دانش‌آموزان تهرانی، مورخ ۱۳۹۷/۳/۸: کد مطلب ۶۴۱۲۰۱، منتشر شده در سایت <http://www.medu.ir>

۳۸. ماجرای تکان‌دهنده تعرض به دانش‌آموزان دبیرستانی، پایگاه خبری تحلیلی فردا، متن مصاحبه با نظری، مدیر کل روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش، مورخ ۹۷/۳/۸ کد خبر ۸۲۱۴۲۷ قابل بازیابی در سایت <https://www.fardanews.com>

39. Henderson and Mapp

کتابنامه

قرآن کریم.

ابراهیمی هرستانی، اصغر؛ مهram، بهروز؛ لیاقتدار، محمدجواد (۱۳۹۴). واکاوی برنامه درسی مغفول برای تربیت جنسی دانش‌آموزان پسر مقطع راهنمایی تحصیلی، پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۱۲(۲): ۴۰-۲۶.

احمدی، سیده طاهره (۱۳۹۱). نیازسنجی برنامه درسی تربیت جنسی از دیدگاه دبیران دوره متوسطه ناحیه یک آموزش و پرورش شیراز سال ۹۱-۱۳۹۰، پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

اسلامیان، زهرا؛ سعیدی رضوانی، محمود؛ غفاری، ابوالفضل (۱۳۹۸). شناسایی و اولویت‌بندی پیام‌های مرتبط با خویشتن‌داری جنسی دانش‌آموزان (بر اساس منابع و دیدگاه‌های دانش‌آموزان). تربیت اسلامی، ۱۴(۲۸): ۱۹۴-۱۷۵.

اعتمادی‌زاده، هدایت‌الله؛ نوری، علی (۱۳۹۷). شناسایی و طبقه‌بندی مسائل اساسی دانش‌آموزان دوره ابتدایی در ارتباط با جنسیت و مسائل جنسی، پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۱۵(۵۹): ۶۱-۴۶.

امینی، محمد؛ تمنایی‌فر، محمدرضا؛ پاشایی، رقیه (۱۳۹۰). بررسی ضرورت وجودی و چگونگی توجه به تربیت جنسی در برنامه درسی مقطع متوسطه از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان، فصلنامه پژوهش‌های برنامه درسی، ۱۱(۱): ۲۰۲-۱۶۹.

ایمان، محمد تقی (۱۳۹۶). فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی، چاپ چهارم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

باقری، خسرو (۱۳۸۰). تربیت دینی در برابر چالش قرن بیست و یکم، مجله بازتاب اندیشه، ۲(۱۵): ۴۴-۳۸.

برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۱). مصوبه اسفند ماه. تهران: شورای عالی آموزش و پرورش با همکاری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

بلاغت، سیدرضا؛ نقیب‌زاده، میرعبدالحسین؛ فائدی، یحیی؛ محمودنیا، علیرضا (۱۳۸۹). بررسی مشارکت والدین در مدارس به مثابه یکی از مؤلفه‌های دموکراسی در آموزش و پرورش، خانواده و تحقیق، شماره ۹: ۱۲۶-۱۰۱.

بهشتی، محمد (۱۳۸۵). تربیت جنسی از منظر فیض کاشانی، دو فصلنامه تربیت اسلامی، ۲(۳): ۱۱۳-۸۹. ثابت، حافظ (۱۳۷۹). درآمدی بر تربیت اسلامی، مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۱(۴): ۶۲۰-۵۹۳. حاجی‌پور، حامد؛ برخوردار، رمضان؛ کشاورز، سوسن (۱۳۹۷). تحلیل گفتمان انتقادی تربیت جنسی در نظام آموزش و پرورش ایران (وضعیت موجود) مبتنی بر اسناد مکتوب، پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، ۱۸(۱): ۱۵۹-۱۳۶.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲). بیانات رهبری در دیدار جمعی از فرهنگیان برگرفته از سایت مقام معظم رهبری، تاریخ دیدار: ۱۳۹۲/۲/۱۸.

سالنامه آماری وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۶). وزارت آموزش و پرورش - مرکز برنامه‌ریزی منابع انسانی و فناوری اطلاعات، تهران: سوره سبز، چاپ اول.

سلسبیلی، نادر (۱۳۹۵). ارزیابی برنامه درسی ملی تدوین شده جمهوری اسلامی ایران بر اساس ملاک‌های برگرفته از دانش نظری حوزه مطالعات برنامه درسی، فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، ۱۱(۴۱): ۹۸-۶۵.

شریعتمداری، علی (۱۳۸۶). اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، چاپ سی‌ودوم، تهران: انتشارات امیرکبیر. شعاری‌نژاد، علی اکبر (۱۳۷۶). فلسفه آموزش و پرورش، چاپ چهارم، تهران: انتشارات امیرکبیر. شیرازی فرح، مصطفی؛ عابدی سراسیا، علیرضا؛ محمدیان، علی (۱۳۹۵). بررسی احکام فقهی در زمینه تربیت جنسی، مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق، ۱۰(۳۳): ۱۲۶-۱۰۵.

صالحی، اکبر، تهامی، رحیمه‌السادات (۱۳۸۸). بررسی و تحلیل عوامل و موانع مؤثر در تربیت دینی بر مبنای سخنان حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه، دو فصلنامه تربیت اسلامی، ۴(۹): ۹۴-۷۵.

فایضی، علی، آشتیانی، محسن (۱۳۷۵). مبانی تربیت و اخلاق اسلامی، قم: انتشارات روحانی. فراستخواه، مقصود (۱۳۹۷). روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر «نظریه بر پایه» (گراند تئوری GTM)، چاپ پنجم، تهران: نشر آگاه.

فرمهبینی فراهانی، محسن (۱۳۸۶). انسان و سلامت جنسی: تربیت جنسی، تهران: نشر البرز. فرمهبینی فراهانی، محسن (۱۳۸۷). نگاهی گذار بر تربیت جنسی در مقاطع مختلف تحصیلی، فصلنامه سلامت روان، ۱(۱): ۲۸-۱۹.

قلتاش، عباس، محمدجانی، صدیقه (۱۳۹۷). طراحی چارچوب برنامه درسی تربیت جنسی بر اساس مبانی تربیت اسلامی، مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۳(۳): ۱۳۰-۱۰۱.

- مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰). تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.
- مبردی، کتابیون؛ حسن پورازغدی، سیده بتول؛ امیری فراهانی، لیلا (۱۳۹۶). آگاهی و نگرش مادران نسبت به تربیت جنسی کودکان پیش دبستانی، مرکز تحقیقات مراقبت‌های پرستاری دانشگاه علوم پزشکی ایران، نشریه پرستاری ایران، ۳۰(۱۰۶): ۳۵-۴۵.
- متقی‌فر، غلامرضا (۱۳۸۴). آموزش جنسی در مدارس، مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۴ (۸): ۱۶۴-۱۳۱.
- محمدجانی، صدیقه؛ یارمحمدیان، محمدحسین؛ کجیاب، محمدباقر؛ قلتاش، عباس (۱۳۹۵). الگوی برنامه درسی تربیت جنسی برای دوره نوجوانی بر اساس مبانی قرآن و روایت‌های معصومین، فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۷(۳): ۱۴۹-۴۴.
- محمدبیگی، رضا؛ فقیهی، علیرضا؛ ناطقی، فائزه (۱۳۹۷). بررسی برنامه درسی تربیت جنسی در دوره ابتدایی مبتنی بر دیدگاه معلمان و ارائه راهکارهای مطلوب از دیدگاه متخصصان، دو فصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی، ۶(۱۲): ۱۶۶-۱۴۱.
- محموظی موسوی، سید یوسف، جعفرنژاد، محمد (۱۳۹۴). بررسی جایگاه آموزه‌های قرآنی و حدیثی در تربیت مطلوب جنسی جوانان، آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، ۱۱(۱): ۷۳-۹۲.
- مزیانی، محمدصادق (۱۳۸۲). روش‌های تربیتی سیاسی کارگزاران از منظر امام علی (ع)، حکومت اسلامی، ۶(۲۲): ۲۷-۳۹.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: انتشارات صدرا.
- مکیلانی، حسین؛ درانی، کمال؛ صالحی، کیوان (۱۳۹۷). تحلیل پدیدارشناسانه باورهای دینی دانش‌آموزان و ارائه راهکارهایی برای کاهش چالش‌ها و آسیب‌های موجود، دو فصلنامه دین و ارتباطات، ۲۵(۱): ۱۹۲-۱۵۷.
- مهرام، بهروز؛ نبی‌زاده شهری، بتول (۱۳۸۶). بررسی محتوای کتب درسی دوره‌های راهنمایی و متوسطه از حیث تربیت جنسی، سومین کنگره سراسری خانواده و سلامت جنسی، آذرماه.
- میالاره، گاستون، یال، ژان (۱۳۷۰). تاریخ جهانی آموزش و پرورش، (مترجم: محمدرضا شجاع رضوی)، جلد ۱ و ۲، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- میکائیلو، غلامحسین؛ سلطان‌القرائی، خلیل (۱۳۹۴). اهداف و روش‌های تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام، فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۲(۳۵): ۹۷-۱۲۱.
- نصر، احمدرضا؛ شریفیان، فریدون (۱۳۸۶). رویکردهای کمی، کیفی و ترکیبی در پژوهش‌های تربیتی، فصلنامه حوزه و دانشگاه، ۱۳(۵۲): ۷-۲۴.

- نصیری، محمود؛ تفاق، محمدرضا؛ مقصودی، جهانگیر؛ حسن‌زاده، اکبر (۱۳۸۰). بررسی مقایسه‌ای مشکلات ارتباطی نوجوانان با والدین از دیدگاه نوجوانان و والدین در دبیرستان‌های منتخب دولتی شهر اصفهان، *مجله دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد*، ۳(۲): ۳۹-۳۱.
- نصیری، یوسف؛ جعفری، سیدابراهیم (۱۳۸۹). درآمدی بر مبانی تربیت جنسی در تربیت اسلامی، *مطالعات اسلامی در علوم انسانی*، ۱(۱): ۱۱۸-۱۱۰.
- نیکزاد، محمود (۱۳۷۵). کلیات فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات کیهان.
- یاری دهنوی، مراد؛ ابراهیمی شاه‌آبادی، فاطمه (۱۳۹۵). پدیدارشناسی تربیت جنسی از دیدگاه کارشناسان تربیتی در مدارس متوسطه شهر کرمان، *علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، ۴(۷): ۹۵-۱۱۴.
- Adeloye j A. (1991). The attitude of adults to the teaching of sex education in post-primary schools, *Nigerian Journal of Guidance and Counseling*, 14 (1-2): 71-78.
- Eisner E W. (1994). *The Educational Imagination: On the Design and Evaluation of School Programs*, Third Edition- Macmillan College Publishing Company.
- Epstein, J. L. (2011) *School, Family, and Community Partnerships: Preparing Educators and Improving Schools*, Second Edition. Boulder, CO: Westview Press.
- Greenwood, G.E., & Hickman, C.W. (1991). Research and practice in parent involvement: Implications for teacher education, *The Elementary School Journal*, 91, 279-288.
- Dryfoos JG. *Evaluations of community schools: findings to date*. Washington, DC: Coalition for Community Schools; 2000.
- Henderson, A. & Mapp, K.L. (2002). *A new wave of evidence: The impact of school, family, and community connections on student achievement*. Annual synthesis. Austin, TX: National Center for Family and Community Connections with Schools, Southwest Educational Development Laboratory.
- Kontula, O. (2010). The evolution of sex education and students' sexual knowledge in Finland in the 2000s. *Sex Education*, 10(4), 373-386.
- Reis J, S. A. (1989), "School administrators, Parents, and sex education: A resolvable paradox?", *Adolescence* [jour], 24 (95): 639-645.
- Spera, C, Wentzel, K. R., & Matto, H. C. (2009). Parental aspirations for their children's educational attainment: Relations to ethnicity, parental education, children's academic performance, and parental perceptions of school climate. *Journal of Youth and Adolescence*, 38(8), 1140-1152.
- Shosha, G. A. (2012). Employment of Colaizzi's strategy in descriptive phenomenology: A reflection of a researcher. *European Scientific Journal*, ESJ, 8(27).
- Telljohann, S. K., Symons, C. W., Pateman, B., & Seabert, D. (2009). *Health education: Elementary and middle school applications* (p. 26). McGraw-Hill Higher Education.
- Trudell, B. (2017). *Doing sex education: Gender politics and schooling*. Routledge.
- UNESCO. (2001). *International Technical Guidance on Sexuality Education*, PARIS.VOL ZEN.PD.
- Vanderdov S. (2009). Sexuality childrens and teenagers; www.iranpdf.com.
- Weaver, H., Smith, G., & Kippax, S. (2005). School-based sex education policies and indicators of sexual health among young people: a comparison of the Netherlands, France, Australia and the United States. *Sex Education*, 5(2), 171-188.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی